



رَسْش: رسانه و هیأت تر از انقلاب اسلامی / شماره دوم / پاییز ۱۳۹۴





رئیس - رسانه و هیأت تراز انقلاب اسلامی - شماره دوم، پاییز ۱۳۹۴

رسانه دینی و دین رسانه ای
گفتاری از حجت الاسلام والمسلمین مرتضی وافی (زیدعزه) در جمع فعالان رسانه ای هیأت
ویرایش و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه ای جامعه ایمانی مشعر

صفحه آرا: حسن ناصری

طراح جلد: سید مجتبی نبی زاده

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰ تومان (غیرقابل فروش)

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



جامعه ایمانی مشعر

نشانی: قم، بلوار امین، کوچه ۱۰، پلاک ۲۰

تلفکس: ۰۲۵ - ۳۲۹۲۸۹۵۱

کد پستی: ۳۷۱۵۱ - ۳۷۱۶۶

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲

پایگاه اطلاع رسانی: www.۱۵۴۲.org

رایانامه: info@۱۵۴۲.org

بسم رب العرش العظيم

اشاره

«رسانه دینی و دین‌رسانه‌های» گزیده‌ای از مجموعه تجربیات حجت‌الاسلام و المسلمین مرتضی وافی است که در جمع فعالان رسانه‌های هیأت ارائه شده است. وی مداحی را از سال ۶۷ در مدرسه معصومیه شروع کرد؛ هرچند به دلیل وضعیت مجروحیت و جانبازی، در امر مداحی خیلی ورود پیدا نکرد، اما توفیق راه‌اندازی هیأت فاطمیون قم را همراه با جمعی از دوستان داشت. آقای وافی مدتی بعد در اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان، کارشناس مسئول هیأت‌های دانش‌آموزی شدند. مدیریت اداره کل توسعه و برنامه‌ریزی آموزش‌های تخصصی سازمان تبلیغات، عضویت در شورای فرهنگی اوقاف و مدیریت بنیاد البرز از مسئولیت‌های بعدی وی بود.

از سال ۸۰ با بحث حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید معزالدین حسینی پیرامون تأثیر هیأت در تاریخ و به‌ویژه تاریخ انقلاب اسلامی، و استمرار آن بحث؛ ظرفیت خاص و ویژه هیأت بیش از پیش





برایشان هویدا شد: «دیدیم جریان هیأت یک جریان عادی و معمولی نیست، یک رسانه معمولی نیست، یک ظرفیت همین جوری دم‌دستی نیست، یک ظرفیت خاص و ویژه و یک پایگاه است.» مدتی بعد با همکاری حجت‌الاسلام محمد رضا زائری نشریه خیمه را راه‌اندازی کردند. با سفر آقای زائری به لبنان برای تکمیل تحصیلات، آقای وافی قریب به ۱۰ سال مدیریت و هدایت ماهنامه خیمه را برعهده گرفتند؛ که تبدیل به مرکز مطالعات راهبردی خیمه شد و ۹ مجموعه مستقل زیر نظر و جریان خیمه شکل گرفت.

دومین شماره از «رشد» در دو بخش پیش‌روی شماست:

بخش اول: بایسته‌های فعالان رسانه‌ای هیأت

در این بخش در پنج گام، با پاسخ این سؤالات آشنا می‌شوید: فعالان رسانه‌ای هیأت باید چه کنند؟ مسئولان رسانه‌ای هیأت، باید چگونه باشند؟ کلید پیروزی فعالان رسانه‌ای عرصه هیأت چیست؟ بخش دوم: بایسته‌های فعالیت رسانه‌ای در عرصه هیأت

بخش دوم، پاسخگوی این سؤالات است: رسانه‌های هیأتی باید چگونه باشد؟ رسانه‌های هیأت باید چه زوایا و ابعادی را از نظر دور ندارند؟ رمز موفقیت رسانه‌های هیأت چیست؟

اگر در تعریف به
یک سری نقطه‌های
مشترک در فضای
ذهنمان ورود پیدا
نکنیم و نرسیم،
نمی‌توانیم از یک
حرکت جمعی دم
بزنیسم. وحدت و
همدلی بدون اینکه
یک نقاط مشترک
در تعریف این گونه از
کلمات و مفاهیم اتفاق
بافتند یک مسأله
شعاری است.



بخش اول: بایسته‌های فعالان رسانه‌ای هیأت

بازتعریف مفاهیم اساسی

نکته اول که در بحث رسانه‌دینی مطرح است بازتعریف این کلمه‌ها و جملاتی است که ما می‌شنویم، شما می‌دانید ما معمولاً وقتی با این‌گونه کلمات روبه‌رو می‌شویم همیشه یک ذهنیتی در ذهنمان است یعنی یک تعریفی داریم. اولین نکته‌ای که بنده عرض می‌کنم این است که اگر کلمه‌ای را از این به بعد شنیدیم سطحش را بیشتر کنیم، اگر کلمه‌ای را شنیدیم یک‌بار دیگر ذهن خودمان را و نگاه خودمان را نسبت به این کلمه و مفهوم این کلمه بازتعریف کنیم، شما ببینید الان وقتی می‌گویند هیأت، اگر اینجا یک کاغذی دست همه دوستان بدهیم و بگوییم که تعریف خودتان را از هیأت بنویسید، نمی‌گویم همه یک جور تعریف ارائه می‌کند ولی معتقدم هرکس از یک زاویه و یک تعریف ورود پیدا می‌کند و حداقل به ۱۰-۱۲ تعریف راجع به مقوله هیأت می‌رسیم و این در عین اینکه خوب



است خوب نیست، برای اینکه ما اگر در تعاریف به یک سری نقطه‌های مشترک در فضای ذهنمان ورود پیدا نکنیم و نرسیم، نمی‌توانیم از یک حرکت جمعی دم بزنیم. وحدت و همدلی بدون اینکه نقاط مشترک در تعریف این‌گونه از کلمات و مفاهیم اتفاق بیفتد یک مسأله شعاری است.

چیزی به نام جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی چه در حوزه رسانه و چه در حوزه رسانه‌های هیأت و رسانه‌های هیأتی شکل نمی‌گیرد مگر اینکه این اولین اتفاق در همه پیش بیاید و آن این است که نسبت به این‌گونه مفاهیم یک بازتعریفی داشته باشیم.

دو سه مثال بزنم؛ ما یک‌وقتی بحث و مطالعه نسبت به عاشورا و امام حسین علیه السلام را موضوع کار خیمه قرار دادیم، بعد گفتیم بیاییم راجع به بحث عاشورا این کرسی‌های آزاداندیشی و نظریه‌پردازی و این مباحث گفتمان و تضارب آرا را شکل بدهیم، گفتیم آخر چه بگوییم بالاخره یک کربلا، امام حسین علیه السلام و عاشورا مگر چقدر بحث دارد؟! بعضی از دوستان از جمله حاج‌آقای آفروش و باقی دوستان که هستند می‌دانند ۸۰ جلسه در قم برگزار شد که بخشی از این جلسات در دبیرخانه انجمن‌های علمی حوزه شکل گرفت یعنی سطح این جلسات در این حد و اندازه بود و بنده یادم است تقریباً اساتید به نام حضور پیدا می‌کردند، در یکی از جلسات دکتر سیدیحیی‌یثربی که آن موقع رئیس انجمن حکمت و فلسفه ایران بود آمدند قم و صحبت کردند و به بنده گفتند آقای وافی نگران نباش از اینکه این کار و این جنس کار را حالا کسی متوجه می‌شود یا نمی‌شود، ۵۰ سال بعد خواهی یافت که این حرکت، حرکت درستی بوده‌است. با این نگاه آقای سیدیحیی‌یثربی از آن جنس تا کسانی که الآن در حوزه هیأت فعال هستند کار را ادامه دادیم.

یکی دو سال اول بود که حاج‌آقای پناهیان دفتر خیمه آمدند و به بنده گفتند آقامرتضی همین‌قدر بدان و مطمئن باش با انتخاب این موضوع هیأت و امام حسین علیه السلام و عاشورا به آن نقطه اصلی زدی، مثال زدند که جریان فلان و فلان همگی فرعی هستند و این نقطه نقطه‌ای است که قلب و مرکز کار است، بعد به جمله‌ای از مقام‌معظم‌رهبری برخوردیم که ایشان معارف عاشورایی را اوج معارف اسلامی و دینی می‌دانند و در صدر این معارف می‌دانند. هشتاد جلسه برگزار شد که

ما وقتی نگاهمان به مقوله هیأت و مسئله عاشورا مقصداری وسیع شود و زاویه دیدمان فرق کند نوع حرکتمان خیلی متفاوت می‌شود.

موضوعاتش دارد بررسی می‌شود و روی آن‌ها کار می‌شود و سرفصل‌هایش استخراج می‌شود و به نظر می‌تواند زمینه تأسیس دانشکده عاشوراپژوهی بشود. ما هشتاد جلسه گرفتیم الان ما ندیم که هنوز نقطه‌هایی در مباحث جزئی و دقیقی که در حوزه عاشورا است داریم که بررسی نشده است، ما ابتدا می‌گفتیم خب یک بحث‌هایی راجع به امام حسین علیه السلام و عاشورا و کربلا و هیأت می‌شود کرد، تازه سعی می‌کردیم کسانی که منبر و تریبون دستشان بود را دعوت نکنیم و می‌گفتیم آن‌ها حرف‌هایشان را زدند و داده‌هایشان موجود هست، خب ما وقتی نگاهمان به مقوله هیأت و مسئله عاشورا مقداری وسیع شود و زاویه دیدمان فرق کند نوع حرکت‌مان خیلی متفاوت می‌شود. الان به مقوله حجاب در جامعه توجه کنید، بنده یک موقع یک روایتی در کتاب شریف اصول کافی خواندم که وقتی ملک بر آدم ابوالبشر نازل شد، سه چیز را به آدم دادند و به آدم اختیار دادند که از این‌ها یکی را انتخاب کند و معلوم است که آن عنایت الهی بود که انتخاب کرد چون یکی از آن‌ها عقل بود و دین و حیا و آدم ابوالبشر از میان عقل و دین و حیا می‌بایست یکی را انتخاب می‌کرد و آن دو تای دیگر برمی‌گشتند، جناب آدم عقل را انتخاب کردند و به حیا و دین اشاره شد که برگردید، حیایی که قطعاً اشرف دارد به موضوع عفاف و حجاب، یک موضوع کلان‌تری است. آنجا این دو تا به سخن درآمدند که خدا از ما پیمان گرفته هست که جایی که عقل باشد ما هم بمانیم، دین و حیا ظل و ذیل عقل ماندند. خب ما چقدر راجع به جریان عقلانیت و تعقل درست در جریان خردگرایی و خردورزی در جامعه‌مان داریم کار می‌کنیم و مطرح می‌کنیم. ریشه‌های رشد عقل کدام است؟ آسیب‌هایی که به جریان تعقل می‌خورد کجاست؟ چرا سیدالشهدا علیه السلام می‌شود «معقل المؤمنین» یعنی مرکز اندیشه‌ها و باورها و بارور شدن تفکرها؟ این یک موضوع جدی است که ما هر موضوعی را که می‌بینیم نگاه کنیم چقدر دایره‌اش گسترده است. به نظر من این جنس از این نگاه‌ها باید یک مقداری متغیر شود، اگر نگاه‌ها عوض نشود آن وقت مسجد می‌شود جای یک جریان خاص، به قول مولانا عمران نظر حسین که تنها عالم سنی است که در این سطح در موضوع مهدویت کار می‌کند و در فضای مجازی می‌بینید، یک روزی مسجد جمکران آمد برای اینکه ده دقیقه صحبت





کند سه‌ساعتی در مسجد نشست و یکی از بحث‌هایش این بود که تفاوت تفکر شیعی با نگاه‌های دیگران مثل وهابیت و سلفی و این‌ها در مورد مسجد این است و من این تفاوت را حس می‌کنم که آن‌ها مسجد را هتل کردند، اینکه بیایند یک کار خاص و برنامه خاصی انجام بدهند و بروند. اینجاست که مسجد می‌تواند ظرفیت واقعی و حقیقی خودش را نشان دهد.

خب این نگاه هست که ما را به اینجا می‌رساند که برای تجلیل از ائمه جمعه و جماعاتمان و ... باید برج میلاد را انتخاب کنیم یا یک مسجدی مثل مسجد سپه‌سالار یا مسجد مدرسه شهید مطهری؟! آیا این مصداق هجر مسجد و دوری و غربت مسجد نیست؟!

بنده یک‌وقتی مطرح کردم «نهاد هیأت»؛ برای اینکه احساس کردم کلی از مفاهیم دارد پیرامون هیأت شکل می‌گیرد و ساخته می‌شود، خیلی از رفتارهای اجتماعی قشر مذهبی ما در جریان هیأت شکل می‌گیرد، خب این اولین نقطه است یعنی در جریان بازتعریف بسیاری از این‌ها وضعیت موجود را به چالش کشیده، به‌هیچ‌وجه ذهن مبارک خودتان را در فضای موجودی که هست نبندید. چرا این را گفتم؟! برای اینکه جریان رسانه و رسانه‌دینی یکی از آن‌هاست.

این تعریفی که الان از رسانه دارند ارائه می‌دهند حالا یا به‌عنوان یک محمل اطلاعاتی، به‌عنوان یک کانال و مجرا یا خودش به‌عنوان پیام، این به نظر ما یک جریان کاملی نیست، چون با این نگاه نمی‌شود منبر را یک رسانه دید، با این نگاه نمی‌شود هیأت و روضه امام حسین علیه السلام را یک رسانه دید. به نظرمان این‌ها خیلی به هم نمی‌خورند و چفت نمی‌شوند. رسانه‌دینی آیا به همین معنایی است که الان دارد تعریف می‌شود؟! آیا رسانه‌دینی همان دین‌رسانه‌ای است؟! رسانه دینی یعنی اینکه ما مسائل دینی را چگونه در رسانه مطرح کنیم یعنی دین در رسانه؟! آیا رسانه دینی واقعاً این است؟! ولی واقعش این است که جریان رسانه به این آسانی و سادگی نیست. صدوهفتاد محمل اطلاعاتی را در دنیا تعریف کردند، ما که الان اینجا نشستیم چندتا از مجموعه‌ها را توانستیم گرد هم بیاوریم؟! فرض می‌کنیم که بخواهیم همه فعالان در عرصه رسانه هیأت و رسانه دینی و آیینی را جمع کنیم چندتا از محمل‌های اطلاعاتی از این صدوهفتاد محمل اطلاعاتی را داریم از شان استفاده می‌کنیم و

رسانه‌دینی آیا به همین معنایی است که الان دارد تعریف می‌شود؟! آیا رسانه‌دینی همان دین‌رسانه‌ای است؟! رسانه دینی یعنی اینکه ما مسائل دینی را چگونه در رسانه مطرح کنیم یعنی دین در رسانه؟! آیا رسانه دینی واقعاً این است؟! ولی واقعش این است که جریان رسانه به این آسانی و سادگی نیست.

داریم باهاش کار می‌کنیم؟! این نکته اول راجع به بحث رسانه دینی و دین‌رسانه‌ای که باید درباره‌اش کار کرد.

مرکز پژوهش‌های صداوسیما دو همایش در قم برگزار کرد البته با نگاه و نگرش خودشان ولی به نظرم کار خوبی بود، قدم خوبی بود، اصلاً با همین عنوان رسانه دینی و دین‌رسانه‌ای و در دو بخش هم ارائه دادند، بخشی از مقالات برگزیده این همایش را به نظرم یادداشت کنند و این کتاب و این مجله و در حقیقت کتاب این دو همایش را حتماً بگیرند و مطالعه کنند، به نظرم نگاه دقیق و خوبی است. پس ما برای مفاهیم و موضوعات و سرفصل‌هایی که بهشان برمی‌خوریم این وضعیت و نگاه موجود خودمان را دائماً به چالش بکشیم و نگوییم معلوم هست، مشخص است، ما که می‌دانیم. واقعاً این جوری نیست و اگر کمی ورود پیدا کنیم آن وقت متوجه می‌شویم چه اتفاقی می‌افتد.





این‌هایی که دور
خودشان را در
حوزه رسانه شلوغ
کردند و فعالیت‌های
خودشان را پراکنده
کردند و رزومه‌های
عجیب و غریب در
هرجایی دست‌وپا
کردند، این جریان‌های
این‌گونه در آینده به
ضرر جامعه ما و به ضرر
خود ما خواهد بود.
این پراکنده‌کاری‌ها
من و شما را زمین
خواهد زد.



دانش‌افزایی در حوزه رسانه

نکته دوم بحث مطالعه و آموزش در این حوزه است. بحث رسانه بحثی است که ضمن اینکه درگیر با جریان هنر است یعنی باید انسان هنر این کار را داشته باشد تا وارد بشود، ذوق می‌خواهد، انگیزه می‌خواهد، اما فقط جوهره و ذوق و انگیزه دوستان کار را در این حوزه رسانه‌ای و دینی جلو نمی‌برد، نیازمند آموزش است. با یک مثال روشن می‌کنم، الان کسی می‌آید راجع به یک مجله یا سایت با بنده صحبت می‌کند، می‌گویم من سبیتی داشتیم که پایگاه اطلاع‌رسانی امام حسین علیه السلام، عاشورا و مناسک دینی بوده که رتبه یک را در تمام کشور گرفته، بعد به او می‌گویم ده سال مجله حداقل در نود شماره منتشر کردم، آن هم آرام می‌نشیند ولی خودم در وجود خودم خنده‌ام می‌گیرد، برای اینکه می‌گویم مرتضی تو روزی که شروع کردی چه داشتی؟! تا کی باید در این کارها آدم‌هایی امثال بنده بیایند که تا هل‌شان ندادند و توی آب دست و پا نزنند شنا یاد نگیرند؟! چه زمانی ما می‌توانیم این اتفاق را





ببینیم که کسی در عرصه رسانه ورود پیدا کند که روز اول بگوید من علوم ارتباطات را می‌دانم، قدرت نویسندگی و علم نویسندگی را می‌دانم، علم روانشناسی را تا اندازه‌ای می‌شناسم، به علوم اجتماعی و علوم جامعه‌شناسی و مسائل و مباحث مردم‌شناسی آگاهی دارم و مرتبط به یک مرکز اطلاعات و آمار و داده‌ها هستم، می‌دانم نیازها و خلأها و گره‌های کار کجاست و می‌خواهم یک سایت بزنم یا یک نشریه منتشر کنم و استاد‌های بنده هم این‌ها هستند. چه زمانی بناست این اتفاق بیفتد؟

یک گروهی از علمای مسیحیت یکی دو سال پیش آمدند قم، آن کسی که همراه این‌ها بود گفت من با یکی از این کشیش‌ها در تهران مباحثه می‌کردم دیدم خیلی اطلاعات خوبی دارد، گفتم شما این اطلاعات را چگونه جمع‌آوری و دسته‌بندی کردید؟! گفت من اطلاعات زیادی ندارم، گفت من تنها دو سال در این زمینه مطالعه کردم که برای این جلسه در ایران بیایم، فلانی که آن طرف میز نشسته او بیشتر از من اطلاعات و آگاهی دارد.

دو سال برای اینکه بیاید ایران و در یک جلسه با برخی از علمای قم و حوزه شرکت کند وقت گذاشته و مطالعه کرده‌است! خب این جنس از علم و مطالعه در ما وجود دارد؟ ما چقدر فضای مطالعه و آموزش و علم‌اندوزی را در جهت حوزه رسانه‌دینی و رسانه‌آیینی گذاشتیم و چقدر الان برنامه‌ریزی کردیم؟ ما تفکرات در فضای دنیا و جهان را چقدر می‌شناسیم؟ آدم‌ها را چقدر می‌شناسیم؟

یک روزی بنده شروع کردم یک دانشجوی رشته مطالعات جهان که از بستگان ما بود را آوردم قم، حدود یکی دو ماه در منزل خودمان نگاه‌داشتیم و به او گفتم اینجا بمان، حدود هفت هشت کتاب به او دادم گفتم بنشین این‌ها را برای من توضیح بده که این‌ها را لازم دارم، او هم توضیح‌داد نشانه‌شناسی و نظریات فوکو و دیگران را شروع کرد، این‌ها لازم است، بنده دیر شروع کردم، شما این کار را نکنید، شما بخشی از وقتتان را بگذارید این‌گونه از مطالعات و برنامه‌ریزی‌ها را در همین حوزه رسانه دینی شروع کنید، بروید وقت بگیرید و تلاش کنید، اینجا یک نقطه برای حرکت است و برای اینکه به‌نوعی تشویق بشوید، اینجا آن اتفاق‌ها باید شکل بگیرد. یکی‌اش همین است که ما از همین امروز برنامه مطالعاتی خودمان را در این حوزه‌هایی که عرض کردم شروع کنیم، وگرنه ما در فضای رسانه چقدر می‌توانیم

این تعریفی که الان
از رسانه دارند ارائه
می‌دهند حالا با
به‌عنوان یک محفل
اطلاعاتی، به‌عنوان
یک کانال و مجرا
یا خودش به‌عنوان
پیام، این به نظر ما
یک جریان کاملی
نیست، چون با این
نگاه نمی‌شود منبر را
یک رسانه دید، با این
نگاه نمی‌شود هیأت و
روضه امام حسین (ع)
را یک رسانه دید.

موفق باشیم. این نکته دوم، یعنی بحث آموزش را جدی بگیریم که بنده همیشه در حوزه مداحی و هیأت این بیت را از حاج ملاحسین مولوی می‌خوانم:
گلی که تربیت از دست باغبان نگرفت / اگر ز چشمه خورشید سرزند خودروست.
یکجایی زمین می‌خورد و خراب می‌کند، بنده نمی‌خواهم شرح حال برخی از اساتیدی را بگویم که بنده به دلایلی و در موقعیت‌هایی شاگردی‌شان را کردم، ولی الآن می‌بینی این‌ها یک خُرده‌ای کجراهه می‌روند، چرا که آن موقع می‌گفتند خیلی خوش استعداد است، کتاب‌ها را می‌گیرند تندتند می‌خوانند ۱۷ ساعت مطالعه می‌کند و استاد ندیده و زانو جلوی کسی نزنده ولی آخر کار زمین خورده است، اگر استاد نبینیم و زانو جلوی کسی نزنیم نمی‌شود موفق شد.





نمی‌گویم کسانی که
می‌خواهند در رسانه
دینی و آیینی ورود پیدا
کنند همه از فردا بروند
طلبه‌شوند، ولی بنده
عرض می‌کنم هم‌همان از
پایه‌های آشنایی بامبانی
دینی شروع کنیم، جنس
کسانی که در این حوزه
ورود پیدا کردند و موفق
شدند کسانی بودند که
مطالعه مبانی دینی را
شروع کردند.

تفکر، ذکر و خلوت

گام سوم در بحث رسانه آیینی، تفکر، ذکر و خلوت است، بیش از اینکه کار بکنیم و کارزده بشویم تفکر و ذکر لازم است. بنده این تعبیر را گفتم و بعضی جاها مطرح شده است که مثل جاروبرقی نباشیم که هر چه دم‌دستش بیاید می‌کشد و بعضی موقع‌ها یک پاکت پلاستیکی در این لوله گیر می‌کند و سروصدای جاروبرقی بلند می‌شود، ما در جریان فرهنگی و حوزه رسانه نباید جاروبرقی باشیم که هر چه دم‌دستان آمد بکشیم. خوب چگونه اولویت‌ها را بفهمیم؟! چگونه می‌توانیم ذهن خودمان و شخصیت خودمان را مهندسی کنیم؟! فرصتی برای تفکر، برای خلوت، برای ذکر باز کنید. یک جاهایی اصلاً نباید آدم ببینید، صبح که بیرون می‌رویم درگیر کاری می‌شویم و بقیه‌اش را هم می‌رویم برای باقی کارها، این کارها درست است ولی ما نیمه‌شب‌های آن بچه‌هایی که بلند می‌شدند با آن مناجاتشان و نماز شب‌شان شخصیتشان را شکل می‌دادند داریم یا نه؟! جنس نماز شب ما چیست غیر از آن یازده

رکعت؟! ما چگونه می‌توانیم نماز شب رسانه‌ای‌مان را برگزار کنیم؟! این خلوت کجاست؟ یک اتاقی که یک سری کتاب داشته باشیم و خودمان باشیم و خودمان و این‌ها را مرور کنیم و یادداشت‌برداری کنیم، این خلوت و ذکر است. این‌هایی که دور خودشان را در حوزه رسانه شلوغ کردند و فعالیت‌های خودشان را پراکنده کردند و رزومه‌های عجیب و غریب در هر جایی دست و پا کردند، این جریان‌های این‌گونه در آینده به ضرر جامعه ما و به ضرر خود ما خواهد بود، این پراکنده‌کاری‌ها من و شما را زمین خواهد زد. کسانی که در جاهای دیگر و جبهه‌های دیگر موفق می‌شوند بنده رفته دیدم، هفت هشت روزنامه و مجله را راهبری می‌کند ولی این آدم را می‌بینی که در روز بیش از دو سه نفر را بیشتر ملاقات نمی‌کند، نه این‌که نخواهد نبینند و کلاس بگذارد، با کسی کاری ندارد و کسی هم با او کاری ندارد، دور و برش چندتا کتاب است، دور و برش یک ابزار فکر قدرت ذهن در حوزه و کار خودش است. ما با این شلوغ‌بازی که در حوزه رسانه و این جنس از رسانه داریم نمی‌توانیم موفق باشیم، لذا یک وقت و یک فضایی را برای این جهت باز کنیم.





یک مدّت زمان
محدودی ما می توانیم
بدون این ماجرا کار
کنیم، بعد از یک مدّتی
یکی چیزی سراغمان
می آید به نام حوصله
ندارم، این نکته مهمی
است، این حوصله
ندارم چرا سراغ آدم
می آید؟! به دو جهت،
به جهت اینکه جسم
نمی کشد و به جهت
اینکه روح همراهی
نمی کند.

دانش افزایی در حوزه تفکر دینی

چهارم، آشنایی با مبانی دینی است. بنده نمی گویم کسانی که می خواهند در رسانه دینی و آیینی ورود پیدا کنند همه از فردا بروند طلبه شوند، ولی بنده عرض می کنم همه مان از پایه های آشنایی با مبانی دینی شروع کنیم، جنس کسانی که در این حوزه ورود پیدا کردند و موفق شدند کسانی بودند که مطالعه مبانی دینی را شروع کردند، یعنی اگر بناست از صرف و نحو شروع کنید یک طلبه را بگیرید بگویید آقا این کلمات و واژه های عربی چیست؟ اگر بناست از فقه سر در بیاوریم حداقل روش اجتهاد را بدانیم که در حوزه دین چگونه اجتهاد می کنند. برویم بعضی از اندیشمندان اسلامی، بعضی از نگاه هایشان را حداقل در حوزه جوانان، در حوزه جامعه، در حوزه تربیت ببینیم. عیبی ندارد، ما و شما دیگر نباید وضعیتمان این باشد که از آثار مثلاً شهید مطهری دوری کنیم یا شهید آوینی هنوز سرش دعاست و نتوانسته نگاه خودش در حوزه هنر و رسانه را حاکم کند، چگونه سراغ این تفکرات برویم؟!

این اشخاص آمدند بخشی از مبانی را گفتند.

خب این نکته چهارم یعنی آشنایی با مبانی فکری اندیشمندان و مبانی دینی. بالاخره ما باید یک طلبه بشویم، برای اینکه آیات و روایات را بدانیم و بشناسیم، تفسیر قرآن را شروع کنیم، آشنایی با روایات را مباحثه بگذاریم، در این حوزه کسانی که به‌جاهای بالا رسیدند بنده دیدم که نشستند کتاب **سفینه البحار** را با هم مباحثه می‌کنند، اصول کافی و کتاب عقل و جهل را مطالعه و مرور می‌کنند، این‌ها را بخوانیم و مطالعه کنیم. این نکته چهارم برای این‌که با مبانی تفکر دینی که معمولاً از اندیشمندان و نویسندگان است و مبانی دینی که از آیات و روایات است آشنا شویم.





ما باید یک طلبه
بشویم، برای اینکه
آیات و روایات را
بدانیم و بشناسیم،
تفسیر قرآن را
شروع کنیم، آشنایی
با روایات را مباحثه
بگذاریم

خودسازی روحی و جسمی

پنجمین بحث، خودسازی چه روحی و چه جسمی است. ممکن هست کسی علم داشته باشد، ممکن است کسی ورود پیدا کند، آشنایی و شناخت با اندیشه‌ها داشته باشد، زمینه کار را بشناسد، تخصص در کار را پیدا کند، اما در این قسمت لنگ بزنند. این خاطره را از محضر مقام رهبری عرض می‌کنم، دوشنبه‌ها معمولاً ایشان یک جلساتی دارند که دو سه گروه تقریباً خصوصی را می‌طلبند، یک جلسه‌ای ما رفته بودیم به جهت یک برنامه‌ای، یکی دو گروه دیگر هم می‌آیند، یکی دو ساعت طول می‌کشد، ایشان صحبت همه گروه‌ها را می‌شنوند و بعد شروع به ارائه نقطه نظرات می‌کنند. یک گروهی از دانشگاه امام صادق علیه السلام آمده بودند که کار انیمیشنی راجع به سامرا انجام داده بودند، در آن جلسه آقا شروع کردند صحبت کردن راجع به حوزه فضای مجازی و بحث رسانه و ایشان در مورد ضرورت اینکه ما باید در این عرصه ورود پیدا کنیم و آشنا شویم و کار کنیم یک صحبتی

کردند، بعد این جمله را فرمودند که تا جوان هستی قدر بدانید، این جمله را بنده از کسی نشنیدم، ایشان فرمودند سن که از جوانی بگذرد یک اتفاقی می‌افتد، یک چیزی سراغ شما می‌آید که در آن دوره جوانی نیست و با این که ممکن هست قدرتان و تجربه‌تان و علمتان رو به کاستی نرفته باشد ولی آن چیز که سراغتان می‌آید نمی‌گذارد کار کنید و آن این هست که دیگر حوصله ندارید، ایشان فرمودند یک مدت زمان محدودی ما می‌توانیم بدون این ماجرا کار کنیم، بعد از یک مدتی یکی چیزی سراغمان می‌آید به نام حوصله ندارم، این نکته مهمی است، این حوصله ندارم چرا سراغ آدم می‌آید؟! به دو جهت، به جهت اینکه جسم نمی‌کشد و به جهت اینکه روح همراهی نمی‌کند.

به استناد مناجات شعبانیه که در آنجا ما سه چیز می‌خواهیم «**هب لی قلباً یدینه منک شوقه**» یعنی یک امید و نشاطی در قلب نیاز داریم که بتوانیم در این حوزه یعنی حوزه رسانه دینی جلو برویم؛ «**و لساناً یرفع الیک صدقه**» نیاز به مهارت‌های رفتاری داریم که صادقانه در عرصه کار بیاید؛ «**و نظراً یقرّبه منک حقه**» بینش و نگاهی نیاز داریم که آن بینش و نگاه ما را همدل و متوجه و همراه کند. بنده عرض می‌کنم بدون خودسازی امکان ندارد و راه خودسازی هم این است که باور کنیم حدیث عنوان بصری از امام صادق علیه السلام را که امام به‌عنوان بصری فرمودند: «**لا تجعل مرقتک للناس جسراً**» گردنت را برای مردم پل قرار نده. به تعبیر خودمانی‌اش می‌گویند گور بابای فلانی، یکجایی به این برسیم که در حوزه فرهنگ زیادی دلمان برای بقیه نسوزد، بعضی‌هایمان از آن طرف افتادیم و خودمان را فراموش کردیم، بنده وقتی مَه‌ری که آقای بهجت دادند را گم کردم و رفتم محضرشان گفتم مَه‌ری که داده بودید را گم کردیم، ایشان رفتند درون منزل و یک مَه‌ر دیگر آوردند و فرمودند مَه‌ر پیدا می‌شود مواظب باش خودت را گم نکنی. بخوایم خودمان را گم نکنیم راهش همین خودسازی است و بنده معتقدم آن چیزی که کار من و شما را جلو می‌برد این است. آن موارد قبل را که گفتم همه جای خود و این نکته آخر را عمداً آخر گفتم برای اینکه بحثمان در حوزه رسانه‌دینی باشد.





الآن اوضاع اوضاع
اختراع فرهنگی
هست، یعنی هر کدام
از شما دارید کاری
می کنید که نبوده و
بود شده و بود می شود
کار تان درست هست،
اگر می خواهید بعضی
از فعالیت ها را بهبود
ببخشید که مهندسی
فرهنگی یعنی همین،
کار را جلو نمی بریم،
خیلی عقبیم.

بخش دوم: بایسته های فعالیت رسانه ای در عرصه هیأت

مقدمه

برای اینکه در حوزه رسانه دینی نکته های مصداقی در حوزه اجرا هم گفته باشیم چند نکته خدمتتان عرض می کنم. این نکته را اشاره کنم که مشکل ما همین دین رسانه ای است، چون مردم ما دارند دینشان را از رسانه ها می گیرند، مشکل اتفاقاً همین است. منظور من از دین رسانه ای دین در رسانه نیست. آیا دینی که از دل رسانه بیرون بیاید همین دین واقعی است یا چیز دیگری است؟ یعنی وقتی از این کانال می گذرد چه اتفاقی بر سر این دین می آید؟ دینی که ترکیبی از هویت، فرهنگ و دین است نه فقط دین، دینی که در حوزه اخلاقش با حوزه عقایدش با حوزه رفتارهای اجتماعی و تاریخش فرق می کند. در این جریان اگر یک اتفاقاتی در حوزه رسانه که من و شما فعال در این عرصه هستیم

بیفتد به نظرمان دین رسانه‌ای در حداکثر ممکن از آن آسیب‌ها نجات پیدا می‌کند، چون ما بحث‌های چالشی این‌گونه را نمی‌خواهیم بگوییم که اصلا این جنس از رسانه یعنی تلویزیون با این ویژگی‌ها که زیبایی‌شناسی تلویزیون را باید مورد بررسی قرارداد و بعد ببینید که این قالب چند اینچی اصلا توانایی این را دارد که خیلی از اتفاقات را ایجاد کند یا نه؟ یک‌وقتی آقای بهزادپور سال ۸۱ یک برنامه‌ای را در جمکران اجرا کرد که بعد زمینه جریان شب‌آفتابی شد، شما قطعا جریان شب‌آفتابی را یا دیدید یا مطالعه کردید، این جریان شب‌آفتابی با این نگاهش یک جریان است یعنی خودش یک رسانه است که در تهران یا مشهد یا اصفهان دیدم شبیه آن برگزار شده است، ایشان نگذاشت که بچه‌های تلویزیون اصلا بیایند فیلمبرداری کنند، گفت این صحن مهدیه جمکران که حدود دو سه هزار نفر جمعیت نشستند قرار است برود در یک قاب چند اینچی، سیستم صوتی هم که آن موقع حدود صد میلیون گرفته بودیم سه روز اجاره کرده بودیم که بیایند اینجا یک اتفاقاتی ایجاد کند، بعضی از این صداها روی پوست دست تأثیر می‌گذاشت یعنی تأثیرش تأثیر جسمی بود، می‌گفت این هم می‌رود داخل دو بوق ۱۰ واتی تلویزیون، این نور و این جریان و این دکور می‌شود یک سطح و می‌رود تلویزیون، این تلویزیون چگونه می‌تواند این جریان را منتقل کند؟! جز اینکه خرابش کند کار دیگری نمی‌تواند. بر این اساس بنده عرض می‌کنم اگر بناست یک اتفاقی در حوزه رسانه نه مهندسی فرهنگی، بنده بارها عرض کردم زمان کار فرهنگی و مهندسی فرهنگی گذشت و تمام شد، الان اوضاع اوضاع اختراع فرهنگی است، یعنی هر کدام از شما دارید کاری می‌کنید که نبوده و بود شده و بود می‌شود کارتان درست هست، اگر می‌خواهید بعضی از فعالیت‌ها را بهبود ببخشید که مهندسی فرهنگی یعنی همین، کار را جلو نمی‌بریم. خیلی عقیبیم، جریان مهندسی فرهنگی خیلی عقب است، چه کار نبودی را می‌خواهیم بود کنیم!؟





مستندسازی

اول بحث مستندسازی است، در جریان فعالیت‌های رسانه‌ای خودتان در حوزه‌هایی که دارید جریان مستندسازی را از دو نگاه توجه کنید: یک، اعتبار و استناد کارهایمان را به‌ویژه در حوزه محتوا بالا ببریم، بنده بسیاری از محتواها را با این عقل ناقص و علم کم نگاه می‌کنم می‌بینم این‌ها در سه سایت و در سه مجله منتقل شده و نوشته‌شده و هر سه تا باهم متفاوت‌اند. حالا نگاهمان نگاه آکادمیک و حوزوی و دانشگاهی نیست که منابع و مآخذش دقیق و قوی باشد، در سایت‌هایی که گاهی در حوزه‌های دانشگاهی و حوزوی اتفاق می‌افتد و مجلاتی که منتشر می‌شود شما نگاه کنید سطح اعتبار و استناد مقالات و نوشته‌ها به‌شدت پایین هست، این ماجرا را مواظبت کنید، این یک آسیب و آفت در حوزه رسانه دینی است، سطح اعتبارسازی‌ها و استنادسازی‌ها را بالا ببریم، با استناد و اعتبار حرف بزنیم، این یک بُعد.



بعد دوم ثبت اتفاقات است. بنده به یکی از دوستانی که در تاریخ شفاهی کار کرده گفتم بیا می‌خواهم تجربیات ده سال خیمه را بگویم، پیش آقای زائری و توکلی شروع کردیم، اینجا این جوری شد و از فلان خانه بیرونمان انداختند و سه روز وسایل کف خیابان بود و... باید این‌ها ثبت شود. بنده در چند سفری که به بعضی از کشورها رفتم، در بعضی از خیابان‌ها کنار بعضی از شرکت‌ها یک تابلوهایی بود که رویش یک سری کارت‌ها و بروشورهایی بود، یک روز یکی از این‌ها را برداشتم، رویش عکس هویج بود و عکس چند نفر که نشستند چایی می‌خورند و ... گفتم این‌ها چیست؟! گفتند عکس‌های جلسه دپروزشان است، این‌ها یک شرکت کشاورزی هستند راجع به اصلاح کشت هویج صحبت کردند و عکس انداختند و یک آقای مهمان آن‌ها بوده و این‌ها هرروز این بروشور و مستند را آماده می‌کنند و می‌گذارند آنجا تا مردم بفهمند آنجا چه خبر است. ما مؤسسه نداریم، ما دخمه داریم، مؤسسات ما اگر هم هستند خروجی‌شان کجاست؟ خروجی مؤسسات پاساژ قدس و مهستان است؟ این‌ها دخمه هستند، این‌ها در مراء و منظر نیستند، الان چیزی به نام مؤسسات فرهنگی در نگاه خودشان دقیقاً به این عنوان نداریم، کتاب‌فروشی‌ها مؤسسه فرهنگی است. ما کتابی را بیست‌سال خواندیم ولی هنوز نویسنده‌اش را ندیدیم تا چه برسد به اینکه زندگی و خاطرات و کارهایش را ثبت کند و در مراء و منظر مردم بیاید. شما این‌طور باشید و کارهایتان را ثبت کنید. تا چه زمانی در فضای رسانه‌ای ما هر کس درون خودش صاحب تجربه‌ها و ضعف‌های خودش باشد!؟

دو تا کتابدار در یک کتابخانه آمریکایی یک کتاب نوشتند. بنده پیش استادی که مدیریت می‌خواندم گفتم یک کتاب درباره مدیریت می‌خواهم، گفت این کتاب است، گفتم بابا این که مال دو کتابدار در یک کتابخانه است، گفت درست است این‌ها کتابداری می‌کردند ولی در کارهایی که انجام می‌دادند قالب‌های مدیریت‌شده را از ماجرای کتابداری خلع کردند و کتابی شده در حوزه مدیریت. دو تا کتابدار در کتابخانه‌شان اینطور فعالیت می‌کنند. آن وقت ما چیکار می‌کنیم؟! کتابدار ما در کتابخانه این کتاب را از اینجا به آنجا می‌برد و تمام. این جنس مستندسازی برای آینده من و شما نیاز است و ما نداریم این جنس از مستندسازی را در حوزه کارهایمان و از نظر محتوایی این اعتبار و استناد را نداریم.

نکته دوم آشنایی
با کارهای دیگران
هست، متأسفانه ما
نسبت به کارهای
دیگران اهل تواضع
نیستیم، فقط فضای
پیش روی خودمان را
می‌بینیم.



ارتباط و آشنایی با رفقا و رقا

دومین مسئله بررسی و آشنایی با کارهای دیگران می‌باشد. بنده این نکته را که عرض می‌کنم برای این است که شعار وحدت و همدلی و جبهه‌فرهنگی بدون این موارد در حوزه رسانه‌دینی ممکن نیست. نکته دوم آشنایی با کارهای دیگران است، متأسفانه ما نسبت به کارهای دیگران اهل تواضع نیستیم، فقط فضای پیش روی خودمان را می‌بینیم، اخیراً کاریکاتوری دیدم که کرگدنی هر چه تابلو کشیده یک شاخ هم وسطش دارد، نقاشی‌هایی که کشیده بود همه یک شاخ وسطش داشت، ما در کارهای رسانه‌ای مان کرگدن وار نباشیم، زاویه دیدمان را بیشتر باز کنیم، با کارهای همدیگر چقدر آشنا هستیم؟ حتماً باید این‌گونه جلسات برگزار شود تا پنهان‌های شود برای اینکه از یکدیگر خبر بگیریم؟! آیا ما نباید با کارهای همدیگر آشنا باشیم؟ اگر این اتفاق نیفتد اولین ضررش این است که کارهای موازی و تکراری خصوصاً از نظر محتوایی زیاد می‌شود، الان در فضای سایت‌های دینی و شبکه‌های مجازی





می‌بینید یک خبر در ده گروه گذاشته می‌شود، چون باز تولید اخبار و کارهای جدید خیلی کم است، معمولاً ما این‌ها را فقط دست‌به‌دست می‌کنیم و شکلس را عوض می‌کنیم، این همه آدم و سخنران و اعظا! آیا این هنر است که یک تئاتر دینی ما بتواند در ده سال پنجاه بار روی صحنه برود و آیا می‌شود این را به‌عنوان افتخار گفت؟ یا آن قدر جای خالی کار وجود دارد ولی ما چیز دیگری نداریم و باید این تئاتر آیینی را هر سال برویم نشان بدهیم؟ در مجله و تولید محتوا هم همین‌طور است، اگر با هم آشنایی نداشته باشیم و ارتباط ایجاد نکنیم (یکی از مسائل این است که نقاط خلأ را نمی‌شناسیم و همه در یک جاده می‌دویم و هیچ‌وقت آن الحاق در فضای خاکریز حاصل نمی‌شود و در یک خاکریزی هم می‌رویم که دشمن بالاخره آن خاکریز را می‌فهمد، مثل این می‌ماند که سرویس از یک نقطه فقط زده بشود، این‌گونه است که کارهای موازی و تکراری و نقاط خلأ شناخته نمی‌شود).

یکی از مسائل این هست که نقاط خلأ را نمی‌شناسیم و همه در یک جاده می‌دویم و هیچ‌وقت آن الحاق در فضای خاکریز حاصل نمی‌شود و در یک خاکریزی هم می‌رویم که دشمن بالاخره آن خاکریز را می‌فهمد، مثل این می‌ماند که سرویس از یک نقطه فقط زده بشود، این‌گونه هست که کارهای موازی و تکراری و نقاط خلأ شناخته نمی‌شود

استمرار، تداوم و نگاه جامع

نکته‌سوم، اتفاقات موقت یا به عبارتی جشنواره‌ای و موسمی زیاد دارد اتفاق می‌افتد، حالا در همین حوزه هیأت در همین قم به ما مکرر مراجعه می‌شود که هیأتی نمی‌شناسید که باند و میکروفن نیاز داشته باشد، می‌گوییم چرا؟! می‌گویند ما یک هیأتی داشتیم و بعد تعطیل شد و این دستگاه‌ها مانده‌اند، برخی فکر می‌کنند که هیأت بخواهد شکل بگیرد از همان اول باید این‌ها را داشته باشند. در این ماجرای حرکت رسانه‌ای‌مان این اتفاقات موقت یک‌ماهه و موسمی و جشنواره‌ای چقدر دارد پیش می‌آید؟! واقعا جان‌کننده شد جریان ده‌ساله خیمه جلو رفت ولی بعد در یک نقطه‌ای از صفر شروع کردند! واقعا دوباره از صفر شروع کردیم! خب چرا؟! البته الآن آقای زائری در جریان خیمه به نقاط خوبی رسیدند ما تجربه کردیم تا خیمه را به جایی برسانیم که شبیه به چیز دیگری نباشد و شبیه به خودش باشد، خب این اتفاق باید یکجایی بیفتد و این اتفاق با کارهای کوتاه‌مدت و موقت نمی‌افتد، در فضای





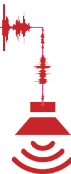
حرکت رسانه‌ای اگر کوتاه‌مدت ببینید بنده همیشه این مثال را زدم، گفتند آن دو برادری که اولین هواپیما را پرواز دادند هواپیمای دوم را سی سال بعد پرواز دادند ما بعضی وقت‌ها یک کاری می‌کنیم فردایش می‌گوییم این دست نمک ندارد قدر ما را نمی‌دانند، اصلاً همکاری نیست حمایت نیست، در یک روز و یک ماه و یک سال خسته می‌شویم بنده عرض می‌کنم بعد از ده سال جریان خیمه تازه به یک نقطه‌ای رسیده بودیم که می‌شد گفت حالا می‌شود شروع کرد، همان‌طور که بعضی کشورها برنامه چند قری داشتند.

ما بعضی وقت‌ها
یک کاری می‌کنیم
فردایش می‌گوییم
این دست نمک ندارد
قدر ما را نمی‌دانند،
اصلاً همکاری نیست
حمایت نیست، در
یک روز و یک ماه
و یک سال خسته
می‌شویم.



هنر بازسازی

مطلب چهارم بازسازی متن‌ها و محتواهاست. عزیزان یکی از ضربه‌هایی که در جریان رسانه‌دینی ما داریم می‌خوریم این است که همان منبر و همان مصاحبه را از تلویزیون پخش می‌کنیم و در مجله پخش می‌کنیم، هنر بازسازی متن و تولید محتوا مسأله مهمی است، ما داریم ضرر می‌کنیم، به‌جای اینکه خوب ضربه بزنیم بد دفاع می‌کنیم و بد دفاع کردن مساوی است با خوب ضربه خوردن. متن‌ها و سخنرانی‌ها همین جوری قابلیت ندارد در فضای رسانه قرار بگیرند و حتماً نیاز به بازسازی و بازنگری دارند.



استفاده از فناوری‌های نوین

پنجم استفاده از فناوری‌های نوین است. آقا فرمودند در حوزه رسانه آن‌ها بردند، این تعبیر را دو سه بار با صراحت گفتند، چرا؟ یکی از مسائلی است که الان حوزه کار و فعالیت‌های ما، عموماً سایت‌ها و مجله‌های ما یک‌سویه هست، چرا؟ و معمولاً هم پیام‌محور هستیم، یعنی یک چیز را می‌دانیم و به آن رسیدیم و الان می‌خواهیم به بقیه حالی کنیم. این جریان مشارکت، ارتباط، گفت‌وگو، تضارب آراء، دوسویه بودن، غیر از فناوری‌های نوین و ورود در این جریان امکان‌پذیر نیست، مجله‌ای که تمام هنرش این باشد که فقط بهترین مطالب را کنار هم بچیند این مجله باخته است، حتی اگر بگوید

این جریان مشارکت،
ارتباط، گفت‌وگو،
تضارب آراء، دوسویه
بودن، غیر از
فناوری‌های نوین و
ورود در این جریان
امکان‌پذیر نیست،
مجله‌ای که تمام
هنرش این باشد که
فقط بهترین مطالب
را کنار هم بچیند این
مجله باخته است،
حتی اگر بگوید این
بهترین مطالب با هم
ارتباط دارد باز هم
باخته است.



این بهترین مطالب باهم ارتباط دارد باز هم باخته است، باید هروقت ده مجله را روی هم می گذاریم این حرکت هرمی کامل شود یعنی بگوییم این مطلب در این شماره با این مطلب در آن شماره چه ارتباطی داشت؟ این جریان فناوری نوین در مجلات است نه اینکه یک مجله را بصورت مطالب باهم مرتبط خوب ببندیم، بهترین نویسندگان را هم جمع کنیم، اگر پازل جلدیک با پازل جلدپنج ارتباط نداشته باشد باختمیم، لذا باید جدول ها را شش ماهه و یکساله ببندید اگر بالاتر نمی توانید، بدانیم ما از این نقطه شروع می کنیم و به آن نقطه می رسیم.





ما گاهی یک سایت
انتخاب می‌کنیم وقتی
در آن عنوان و نام
نگاه می‌کنیم فقط
بدرد شهر خودمان
می‌خورد و سایت
ما اجتماع محور
نمی‌شود، نگاه
بین‌المللی به جریان
کار نداریم.

نگاه جهانی

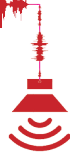
ششم، اطلاعات و محتوای ما بدون نگاه بین‌المللی و جهانی است. ما گاهی یک سایت انتخاب می‌کنیم وقتی در آن عنوان و نام نگاه می‌کنیم فقط بدرد شهر خودمان می‌خورد و سایت ما اجتماع محور نمی‌شود، نگاه بین‌المللی به جریان کار نداریم، معلمی در شیراز به بنده گفت وقتی مقام معظم رهبری در ایرانشهر تبعید بودند ما توانستیم برویم محضرشان، آنجا بحثی از مسائل جهانی پیش آمد ایشان یک نقشه‌ای از جهان آوردند و پهن کردند و شروع کرد راجع به بعضی از کشورها و مسائل جهان صحبت کردن، برای اینکه نگاه ما را از محدوده شهر و روستای خودمان فراتر کند. سال ۱۳۷۹ وقتی اینترنت در قم شکل گرفت و رسمی شد سه چهار مجله را پیدا کردم که این‌ها با عنوان استقبال آیت‌الله‌ها از اینترنت به این مسأله پرداخته بودند و شروع کردند به بررسی ماجراها. آنجا به زبان انگلیسی و به زبان خودشان راجع به اینکه در حوزه اینترنت و فضای مجازی دارد کارهایی می‌شود برنامه‌ریزی‌هایشان را

کردند و مقالاتشان را نوشتند که حالا که آخوندهای شیعه در این عرصه آمدند ما باید چیکار کنیم؟ ولی ما هنوز سر اصل ماجرا گیریم و هنوز سر اینکه چقدر ورود پیدا کنیم و چقدر ورود پیدا نکنیم بحث داریم.

این مسائل است که امیدوارم خداوند ما را موفق کند که در حوزه رسانه و مباحث رسانه‌ای قدمی جدی برداریم. اگر به بیشتر این دغدغه‌ها نمی‌شود پرداخت و جواب گرفت دلیلش این است که این بحث‌ها بحث‌های نویی است و طبیعی است که در یک موضوع باید خط شکنی شود. باید به همدیگر کمک کنیم تا این اتفاق و جریان بودن حوزه رسانه و پازل‌هایش را همه‌جانبه شکل بدهیم. اتفاقات نه‌چندان خوبی در حوزه رسانه دارد شکل می‌گیرد و بخشی از ماجرای که به‌نوعی سکوی پرشش شده نگاه سکولار و نگاه به فضای غربی بدون اینکه بخواهد این تفکر را به چالش بکشد، نگاهش شده نگاه خودباختگی، نگاهش شده نگاه سلب تفکر، نگاهش شده نگاه مصرف‌گرایی، نگاهش شده نگاه از خودبیگانگی. بخشی از این جریان را ما در حوزه نشریاتمان حتی نشریات مشهورمان، در حوزه صداوسیما می‌بینیم و اتفاقات نه‌چندان خوبی است. بنده معتقدم کسی که از ماهواره استفاده نمی‌کند بدلیل استفاده از برنامه‌های تلویزیون نیست و بنده معتقدم بعضی از برنامه‌های تلویزیون کمک می‌کند به اینکه جامعه ما سمت ماهواره برود. بنده در سفری به افغانستان در کابل بازدیدی از بعضی از شبکه‌های آنجا داشتم، یک شبکه به نام شبکه تمدن داشتند که آیت‌الله محسنی کابلی رئیس آنجاست و یکی دو نفر دیگر که پسرشان هستند ناظر ماجرا هستند، ایشان بخشی از فیلم‌های ما را در ایران نشان داد و گفت این‌ها رد شده است، ما قدرت پخش این فیلم‌های ایرانی را در شبکه تمدن نداشتیم، دیدیم این‌ها بدر پخش کردن نمی‌خورد و تأثیر منفی دارند و می‌دانید که این جمله مقام معظم رهبری است که ایران و افغانستان نزدیک‌ترین فرهنگ را هم بدلیل هم‌زبانی و هم سبک‌کار دارند، بنده نمی‌خواهم بگویم ماهواره خوب است یا بد.

الآن در غرب دارد همایش‌هایی برگزار می‌شود به نام همایش سالانه خویشتن‌داری، کتاب‌هایی دارد منتشر می‌شود به نام دختران به عفاف روی می‌آورند، آن‌ها ته خط ماجرا رسیدند به جریان





خویشتن داری، توی یک نقطه‌هایی رسیدند به اینکه الآن دیگر وقت انفعال نیست، الآن باید ایستاد و جلو رفت و در همین فضا می‌توانند بار خودشان را ببندند.

ما تا کی در حوزه رسانه می‌خواهیم انفعالی برخورد کنیم؟ یادم می‌آید آن روزی که یک دستگاه ویدیو را از پایگاه بسیج منتقل کردیم به یک مسجدی که برویم بنشینیم یک فیلمی از این فیلم‌های اکشن ببینیم. در آن فضا ویدیو را لای پتو می‌پیچاندیم! بنده نمی‌خواهم بگویم قضیه ماهواره هم این چنین است. بنده می‌گویم اربعین پارسال که خدا توفیق داد و رفتیم همایش نگاه به مردم می‌کردم، یکی گفت چرا انقدر نگاه می‌کنی؟ گفتم من روزی که صدام رفت یادم می‌آید یک شبکه مجازی و یک ماهواره در زمان صدام نبود و به محض اینکه صدام رفت هیچ کار فرهنگ‌سازی نشد، امسال داشتیم نگاه می‌کردم بینم از نظر فرهنگی این قیافه دختر و پسرهای عراقی در این ده دوازده سال چقدر فرق کرده است؟! ما داریم شلوغش می‌کنیم، این شلوغ کردن به معنای این نیست که ما انفعالی عمل نکنیم ولی به استناد آن جمله‌ای که در آن فیلم می‌گوید که دو راه بیشتر نداری یا این کپسول‌های آبی را بخوری یا این کپسول‌های قرمز را، ما معتقدیم فقط این دو راه نیست، یا برویم در دامن آن‌ها غش کنیم یا انفعالی خودمان را در پستوها قرار دهیم، قطعاً راه سومی وجود دارد و آن حضور فعالانه در حوزه رسانه است، بیش از اینکه آن‌ها ما را مورد هجوم قرار دهیم، قطعاً راه سومی وجود دارد و آن حضور فعالانه وارد عمل بشویم، به نظرم این اتفاقی است که اگر ایجاد شود نتیجه خوبی دارد، ان‌شاءالله پایان همین امروز به این جمع‌بندی و نتیجه برسید که عرضه داشتیم. **ان الله الیک قریب المسافه.**

والسلام علیکم ورحمه‌الله وبرکاته

الآن در غرب دارد
همایش‌هایی برگزار
می‌شود به نام همایش
سالانه خویشتن داری،
کتاب‌هایی دارد
منتشر می‌شود به نام
دختران به عفاف روی
می‌آورند، آن‌ها ته
خط ماجرا رسیدند به
جریان خویشتن داری،
توی یک نقطه‌هایی
رسیدند به اینکه
الآن دیگر وقت
انفعال نیست، الآن
باید ایستاد و جلو
رفت و در همین فضا
می‌توانند بار خودشان
را ببندند.

فعالان رسانه ای ما



هیأت تراز انقلاب اسلامی

همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت نمود. همان هیأت‌الگوی که گوشه گوشه و لحظه لحظه‌اش مورد رضایت امام عصر ع باشد. هیأتی است که شایسته برپایی در حضور حضرتش باشد. هیأتی آماده حضور و ظهور... ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیأتی، هر چند سخت و دشوار می‌نماید؛ اما لازم است و ضروری...



هیأت به خودی خود مهم‌ترین رسانه شیعه است. اما رسانه‌ها نیز در خدمت هیأت در می‌آیند. **رشد** می‌کوشد تا ابعاد و زوایای مختلف خدمت رسانه‌ها به نهاد اصیل «هیأت» را بررسی کند.



۰۲۵ ۳۲۹۲ ۸۹ ۵۱
۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲
www.1542.org
info@1542.org